

حسابداری

شرکت‌های ۲

مدرس

الهی

اصول و مفاهیم حسابداری

اصول حسابداری:

به مجموعه‌ای از میثاق‌ها، قواعد، روش‌ها، رویه‌ها که بر اساس آن شناسایی، ثبت و تهیه صورت‌های مالی و اطلاعات مالی انجام می‌گیرد، اصول حسابداری گویند این اصول عبارتند از:

1- اصل تفکیک شخصیت:

بر اساس این فرض بین شخصیت حقیقی صاحب مؤسسه و شخصیت حقوقی مؤسسه تفاوت وجود دارد.

به عبارت دیگر شخصیت مؤسسه مستقل از شخصیت صاحبان مؤسسه می‌باشد. بر اساس این فرض برداشت صاحب مؤسسه موجب می‌شود که سرمایه مؤسسه کسر گردد. معادله حسابداری بازتاب اصل تفکیک شخصیت است.

دارائی = بدهی + حقوق صاحبان سرمایه

2- فرض تداوم فعالیت:

بر اساس این فرض عمر یک مؤسسه به طور نامحدود است: طبقه بندی دارائی‌های جاری و ثابت بر اساس این فرض بنا شده‌اند. در غیر این صورت این طبقه بندی مفهومی ندارد.

3- فرض دوره‌ی مالی:

بر اساس این فرض، جهت اندازه‌گیری عملکرد یک مؤسسه عمر یک مؤسسه به دوره‌های زمانی کوتاه مدت تقسیم بندی می‌شود.

معمولی‌ترین دوره‌ی مالی، دوره‌ی مالی یک ساله است. مفهوم فرض تعهدی و نقدی بر اساس این فرض، مفهوم پیدا می‌کند.

4- فرض پولی:

بر اساس این فرض واحد اندازه‌گیری مشترک کلیه فعالیت‌های مالی، پولی رایج آن کشور می‌باشد.

5- اصل بهای تمام شده (اصل بهای تاریخی)

بر اساس این اصل شناسایی دارائی‌ها و خدمات انجام شده بر اساس قیمت تاریخ خرید (قیمت تمام شده) صورت می‌گیرد، در صورتیکه قیمت تمام شده معلوم نباشد بر اساس ارزش منصفانه بازار آن دارائی شناسایی می‌شود.

6- اصل افشاء:

بر اساس این اصل هر گونه حقایق با اهمیتی که می‌تواند بر تصمیم استفاده کنندگان صورت‌های مالی تأثیر گذار باشد، به همراه صورت‌های مالی باید افشاء گردد.

7- اصل تطابق (اصل مقابله هزینه و درآمد):

بر اساس این اصل هزینه هر دوره‌ی مالی می‌باید از درآمدهای همان دوره مالی کسر گردد.

8- اصل عینیت: (اصل واقعیت):

بر اساس این اصل اندازه‌گیری و شناسایی دارائی‌ها باید بی طرفانه باشد به طوری که اگر شخص دیگری اقدام به اندازه‌گیری نمود همان نتایج را داشته باشد.

9- اصل احتیاط (اصل محافظه کاری)

هنگامی که فردی دچار شک و تردید باشد بر اساس این اصل در هنگام اندازه‌گیری دارائی و درآمد کمترین مقدار و اندازه‌گیری بدهی و هزینه‌ها بیشترین مقدار را در نظر بگیرد.

10- اصل یکنواختی (ثبات رویه)

بر اساس این اصل مؤسسات می‌بایستی در هر دوره‌های مالی مختلف از روش‌های یکسانی برای اندازه‌گیری استفاده کنند و حتی الامکان از تغییر روش در هر سال خودداری می‌گردد.

11- اصل اهمیت:

بر اساس این اصل اهمیت هر مبلغی بستگی به نوع و ماهیت آن حساب دارد، مثلاً برای یک شرکت کوچک مبلغ 500/000 ریال مبلغ با اهمیتی بوده ولی برای یک شرکت بزرگ این مبلغ چندان اهمیتی ندارد.

12- اصل تحقیقی درآمد (مهم)

بر اساس این اصل درآمد هنگامی شناسایی می شود که فرآیند کسر سود تکمیل شده باشد در یک مؤسسه خدماتی درآمد در هنگام ارائه خدمات به مشتریان و در یک مؤسسه تولیدی و بازرگانی درآمد هنگام فروش کالا به مشتریان ثبت می گردد.

استثنائات اصل تحقق درآمد:

1- فروش اقساطی:

بر اساس روش فروش اقساطی درآمد هنگامی شناسایی می شود که مبلغ اقساط وصول گردد. در حالی که در روش تحویل فروش، کل درآمد در هنگام تحویل کالا به مشتریان شناسایی می شود. در فروش اقساطی برای محاسبه سود تحقق یافته هر سال مراحل زیر را به ترتیب انجام می دهیم.

1- محاسبه سود ناویژه: قیمت تمام شده - مبلغ فروش = سود ناویژه (1)

2- محاسبه نسبت سود ناویژه به فروش:

نسبت سود ناویژه به فروش \times اقساط هر سال = سود تحقق یافته هر سال (3)

مثال:

یک شرکت بازرگانی، کالائی که قیمت تمام شده آن 8/000/000 ریال بوده به صورت اقساط به مبلغ 10/000/000 ریال به فروش رسانده که 5/000/000 ریال اقساط در سال اول و 3/000/000 ریال در سال دوم 2/000/000 ریال در سال سوم دریافت گردد.

الف) به فروش اقساطی سود تحقق یافته هر سال چقدر است؟

ب) به روش فروش تحویل سود تحقق یافته هر سال چقدر است؟

$$\text{الف) } (1) \text{ سود ناویژه} = 10/000/000 - 8/000/000 = 2/000/000$$

$$(2) \text{ نسبت سود ناویژه به فروش} = \frac{2/000/000}{10/000/000} = 20\%$$

$$\text{سود تحقق یافته هر سال} = 5/000/000 \times 20\% = 1/000/000$$

$$\text{سود تحقق یافته سال دوم} = 3/000/000 \times 20\% = 600/000$$

$$\text{سود تحقق یافته سال سوم} = 2/000/000 \times 20\% = 400/000$$

$$1/000/000 + 600/000 + 400/000 = 2/000/000$$

ب) در روش فروش تحویل کل سود تحقق یافته مربوط به سال تحویل کالا یعنی همان سال اول می باشد.

مثال (2):

فروشنده ای یک دستگاه تلویزیون را که قیمت تمام شده آن 1/500/000 ریال بوده و به مبلغ 2/000/000 ریال به صورت اقساط 20 ماهه در تاریخ 82/9/1 به فروش رسانده است بر اساس روش فروش اقساطی سود تحقق یافته هر سال را محاسبه کنید.

$$(1) \text{ سود ناویژه} = 2/000/000 - 1/500/000 = 500/000$$

$$\text{نسبت سود ناویژه به فروش} = \frac{500/000}{2/000/000} = 25\%$$

$$\text{مبلغ یک قسط} = \frac{\text{فروش}}{\text{تعداد اقساط}} = \frac{2/000/000}{20} = 100/000$$

$$82 \text{ سود تحقق یافته} = 400/000 \times 25\% = 100/000$$

$$83 \text{ سود تحقق یافته} = 1/200/000 \times 25\% = 300/000$$

$$84 \text{ سود تحقق یافته} = 400/000 \times 25\% = \frac{100/000}{500/000}$$

$$82 \text{ سال} \quad 4 \text{ قسط} = 100/000 \times 4 = 400/000$$

82 سال 4 قسط

$$\text{اقساط سال} = 100/000 \times 12 = 1/200/000$$

83 سال 12 قسط

83

$$84 \text{ سال} \quad 4 \text{ قسط} = 100/000 \times \frac{4}{20} = 400/000$$

84 سال 4 قسط

$$400/000 + 1/200/000 + 400/000 = 2/000/000$$

به روش درصد تکمیل پیمان:

بسیاری از کارهای عمرانی از قبیل احداث جاده، پل، سد، ساختمان، ماشین آلات و ... از طریق پیمان کاری صورت می گیرد که عمر این پروژهها بیش از یکسان می باشد، برای شناسایی درآمد در چنین حالتی دو روش وجود دارد.

1- روش تکمیل پیمان:

اگر شناسایی درآمد در هر سال به طول معقول امکان پذیر باشد، درآمد بر اساس درصد پیشرفت کار در هر سال شناسایی می گردد. در این روش برای محاسبه سود یا زیان تحقق یافته هر سال مراحل زیر را به ترتیب انجام می دهیم.

1) محاسبه سود ناویژه برآوردی:

قیمت تمام شده برآوردی - مبلغ پیمان = سود ناویژه برآوردی (1)

2) محاسبه درصد تکمیل پیمان هر سال به جز سال آخر:

3) محاسبه سود تحقق یافته هر سال به جز سال آخر:

درصد تکمیل پیمان \times سود ناویژه برآوردی = سود تحقق یافته هر سال به جز سال آخر (2)

4) سود تحقق یافته سال آخر: ابتدا سود ناویژه واقعی را به دست می آوریم.

کل هزینه واقعی پیمان - مبلغ پیمان = سود ناویژه واقعی (4)

سود زیان \pm سود تحقق یافته سال های قبل - سود ناویژه واقعی = سود یا زیان تحقق یافته سال آخر

مثال:

برای احداث یک سد خاکی روستایی قراردادی به مبلغ 100/000/000 ریال با یک پیمانکار منعقد شد. قیمت تمام شده برآوردی این قرارداد 80/000/000 ریال بوده است. هزینه های واقعی این پروژه طی سه سال متوالی به ترتیب 40/000/000، 20/000/000، 15/000/000 بوده است مطلوب است:

الف) به روش درصد تکمیل پیمان سود یا زیان تحقق یافته هر سال

ب) به روش تکمیل سود یا زیان تحقق یافته هر سال

ب/ در روش تکمیل پیمان کل سود ناویژه واقعی 25/000/000 ریال در سال سوم تکمیل می گردد یعنی در پایان تکمیل پیمان.

سود ناویژه ی برآوردی (1) = $100/000/000 - 80/000/000 = 20/000/000$

سال اول درصد تکمیل پیمان سال اول = $\frac{40/000/000}{80/000/000} = 50\%$

سال دوم $\frac{20/000/000}{80/000/000} = 25\%$ درصد تکمیل پیمان سال دوم

سود تحقق یافته سال اول $= 20/000/000 \times 50\% = 10/000/000$

سود تحقق یافته سال دوم $= 20/000/000 \times 25\% = 5/000/000$

سود ناویژه واقعی $= 100/000/000 - (40/000/000 + 20/000/000 + 15/000/000) = 25/000/000$

سود $= 25/000/000 - (10/000/000 + 5/000/000) = 10/000/000$ سود یازبان تحقق یافته سال

آخر

حسابداری شرکت های سهامی

شرکت های سهامی:

شرکت هایی که سرمایه ی آن به سهام مساوی تقسیم شده و مسئولیت سهامداران محدود به مبلغ اسمی سهامی آنها می باشد و به دو دسته تقسیم می شوند.

1- شرکت سهامی عام:

شرکتی است که قسمتی از سرمایه به وسیله مؤسسين شرکت و قسمتی دیگر توسط مردم تأمین می شود.

2- شرکت سهامی خاص:

شرکتی است که تمامی سرمایه به وسیله مؤسسين تعهد و پرداخت می گردد.

حداقل سرمایه برای تشکیل شرکت های سهامی عام 5/000/000 ریال و برای سهامی

خاص 1/000/000 ریال می باشد و حداقل اعضا برای تشکیل شرکت های سهامی عام 5

نفر و برای سهامی خاص 3 نفر می باشد.

شرکت سهامی عام حق انتشار اوراق قرضه را دارند. ولی سهامی خاص حق چنین کاری را ندارند.

حسابداری تشکیل شرکت سهامی عام:

برای این شرکت‌ها حداقل معادل $\frac{1}{8}$ یا 20٪ سرمایه شرکت به وسیله مؤسسين شرکت تأمین می‌گردد که حداقل 35٪ آن باید در هنگام تشکیل شرکت پرداخت گردد و مابقی تعهد گردد که در این حالت بابت سرمایه‌گذاری مؤسسين ثبت زیر را می‌نویسیم.

حساب بانك شرکت سهامی در شرف تأسیس (معادل سرمایه پرداخت شده) ××

تعهد مؤسسين یا سهامداران (معادل سرمایه تعهد شده) ××

(بستانکار) سهام سرمایه (معادل سرمایه مؤسسه) ××

در هنگام پرداخت تعهد مؤسسين ثبت زیر را می‌نویسیم.

(بدهکار) بانك ××

(بستانکار) تعهد مؤسسين ××

ثبت پرداخت هزینه‌های تأسیس:

هزینه‌هایی که بابت راه‌اندازی شرکت پرداخت می‌شود.

هزینه‌های تأسیس ××

حسابهای پرداختی ××

هزینه‌های تأسیس جزء دارایی‌های ثابت نامشهود در ترازنامه در دارایی‌ها نوشته می‌شود و طبق قانون تجارت ظرف مدت 10 سال باید مستهلک گردد. هنگامی که باقیمانده سهام به

مردم واگذار شود. ثبت زیر را می‌نویسیم. (معادل سرمایه)

(بدهکار) حساب بانك شرکت سهامی در شرف تأسیس ××

تعهد سهامداران ××

(بستانکار) سهام سرمایه ××

پرداخت بدهی سهامداران به شرکت:

1- در صورتی که اعضا در موعد مقرر بدهی خود را پرداخت کنند.

بانك ××

تعهد سهامداران ××

2- در صورتی که بدهی خود را با تأخیر پرداخت کنند در این حالت مبلغی به عنوان جریمه دیرکرد از آن‌ها دریافت می‌شود.

بانک (معادل بدهی + جریمه) ××

(بستانکار) تعهد سهامداران (معادل بدهی) ××

(بستانکار) درآمد جریمه دیرکرد (معادل جریمه) ××

3- در صورتی که سهامداران بدهی خود را پرداخت نکنند سهام آن‌ها توسط شرکت فروش رفته که پس از کسر بدهی و هزینه‌های فروش مابقی به حساب آن‌ها وارد می‌شود.

(بدهکار) بانک (قیمت فروش - هزینه) ××

(بستانکار) تعهد سهامداران (معادل بدهی) ××

(بستانکار) درآمد جریمه دیرکرد (معادل جریمه)

(بستانکار) حساب‌های پرداختی ××

در هنگام پرداخت بدهی به سهامداران که سهام آن‌ها به فروش رسید ثبت زیر را می‌نویسیم.

(بدهکار) حساب‌های پرداختی ××

بانک ××

مثال:

یک شرکت سهامی با سرمایه‌ای متشکل از 10/000 سهامی هزار ریالی به صورت زیر تشکیل شد.

7/1 - مؤسسين شرکت 20٪ سرمایه شرکت را تعهد که 35٪ آن را نقداً پرداخت نمود.

7/10 - مبلغ 1/000/000 ریال توسط یکی از مؤسسين بابت هزینه‌های تأسیس پرداخت شد.

7/15 - باقیمانده سهام شرکت از طریق پذیره نویسی در اختیار عموم مردم گذاشته شد که 35٪ آن را نقداً پرداخت کرده‌اند.

7/30 - اثانه نامه شرکت به تصویب رسید و به دفاتر قانونی شرکت دریافت گردید.

8/15 - بدهی شرکت به یکی از اعضا بابت هزینه‌های تأسیس پرداخت شد.

8/30 - دارندگان 6000 سهام در مهلت مقرر بدهی خود را به شرکت پرداخت کرده‌اند.

9/30 – دارندگان 1000 سهام پس از یک ماه تأخیر با پرداخت 200/000 ریال جریمه خرید کرد بدهی خود را پرداخت نمود.

10/30 – دارندگان باقی سهام به شرکت مراجعه نکردند و شرکت سهام آنها را به قیمت هر سهام 1500 ریال پس از پرداخت 50/000 ریال هزینه کارمزد به فروش رسانده و مبلغ 150/000 ریال به عنوان جریمه دیرکرد به آنها اختصاص داد.

مطلوب است ثبت فعالیت‌های فوق در دفاتر شرکت سهامی.

(1) بانک شرکت سهامی در شرف تأسیس 700/000

تعهد مؤسسين 1/300/000

(بستانکار) سهام سرمایه 2/000/000

کل سرمایه شرکت $10/000/000 = 1000 \times 10/000$

سرمایه مؤسسين $2/000/000 = 10/000/000 \times 20\%$

سرمایه پرداخت شده $700/000 = 2/000/000 \times 35\%$

تعهد شده $1/300/000 = 2/000/000 - 700/000$

(2) 7/10 – هزینه تأسیس 1/000/000

(بستانکار) حساب‌های پرداختنی 1/000/000

(3) 7/15 – بانک شرکت سهامی در شرف تأسیس 2/800/000

تعهد مؤسسين 5/200/000

(بستانکار) سهام سرمایه 8/000/000

باقی مانده سهام شرکت $8/000/000 = 10/000/000 - 2/000/000$

سرمایه پرداخت شده $2/800/000 = 8/000/000 \times 35\%$

سرمایه تعهد شده $5/200/000 = 8/000/000 - 2/800/000$

7/30 - در هنگام تصویب اساسنامه و دریافت دفاتر قانونی کلیه حساب‌های دفاتر مؤسسين مانده‌گیری شده و به حساب دفاتر قانونی انتقال داده می‌شود.

بانک 3/500/000

تعهد سهامداران 6/500/000

هزینه تأسیس 1/000/000

(بستانکار) سهام سرمایه 10/000/000

حساب‌های پرداختی 1/000/000

(بابت تصویب اساسنامه شرکت)

8/15 - حساب‌های پرداختی 1/000/000

(بستانکار) بانک 1/000/000

$$6000 \times 1000 \times 65\% = 3900000$$

8/30 - بانک 3/900/000

(بستانکار) تعهد سهامداران 3/900/000

(بابت پرداخت بدهی به سهامداران)

$$6000 \times 1000 \times 65\% = 3900000$$

(از 65٪، 35٪ آن قبلاً پرداخت شده)

9/30 - بانک 850/000

(بستانکار) تعهد سهامداران 650/000

درآمد جریمه دیرکرد 200/000

(بابت پرداخت قسمتی از بدهی سهامداران شرکت)

$$۱۰۰۰ \times ۱۰۰۰ \times ۶۵\% = ۶۵۰/۰۰۰ \text{ بدهی}$$

$$۶۵۰/۰۰۰ + ۲۰۰/۰۰۰ = ۸۵۰/۰۰۰ \text{ مبلغ پرداختنی}$$

10/30 – بانک 4/450/000

(بستانکار) جریمه دیرکرد 150/000

تعهد سهامداران 1/950/000

حساب‌های پرداختنی 2/350/000

(بابت فروش باقی مانده سهام)

$$۱۰/۰۰۰ - (۶۰۰۰ + ۱۰۰۰) = ۳۰۰۰ \text{ باقی مانده سهام اعضا}$$

$$۳/۰۰۰ \times ۱۰۰۰ \times ۶۵\% = ۱/۹۵۰/۰۰۰ \text{ مبلغ بدهی}$$

$$۳۰۰۰ \times ۱۵۰۰ = ۴/۵۰۰/۰۰۰ \text{ قیمت فروش}$$

$$۴/۵۰۰/۰۰۰ - ۵۰/۰۰۰ = ۴/۴۵۰/۰۰۰ \text{ فروش ناخالص}$$

نکته:

جریمه + بدهی = مبلغ دریافتنی

مدت تأخیر \times نرخ جریمه \times مبلغ بدهی = جریمه

12

از نظر حقوق سهامداران سهام، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

1- سهام عادی:

سهامی است که دارندگان هر یک از سهامداران داده می‌شود و فاقد هر گونه امتیاز خاص می‌باشد و به عنوان مالکین شرکت محسوب می‌شوند.

2- سهام ممتاز:

سهامی است که نسبت به دارندگان سهام عادی، دارای امتیازات ویژه‌ای بوده از جمله:

(1) داشتن سود ثابت سالانه

(2) حق اولویت در دریافت سود

(3) حق اولویت در دریافت دارائی‌های شرکت در هنگام انحلال

4) داشتن حق رأی بیشتر

**علاوه بر مزایای فوق ممکن است به موجب اساسنامه شرکت امتیازاتی
همچون:**

1) حق مشارکت در باقیمانده سود

2) حق سود معوق یا سود انباشته به سهامداران ممتاز داده می شود.

- انواع قیمت سهام:

1- قیمت اسمی:

قیمتی که روی هر ورقه سهام درجه شده باشد. ضمناً سهام سرمایه به قیمت اسمی در دفاتر و ترازنامه نوشته می شود.

2- قیمت فروش یا بازار: به قیمت خرید و فروش سهام در بازار بورس را قیمت فروش یا قیمت بازار گویند.

1- انتشارات سهام عادی و سهام ممتاز:

هنگامی که سهام منتشر می شود 2 حالت وجود دارد.

1) اگر سهام به طور نقد به فروش رسد.

(بدهکار) بانک (معادل قیمت فروش) ××

یا کسر سهام عادی یا ممتاز ××

(بستانکار) سهام عادی یا ممتاز (قیمت اسمی) ××

یا صرف سهام عادی یا ممتاز ××

اگر قیمت فروش از قیمت اسمی بالاتر باشد صرف سهام وجود دارد.

اگر قیمت فروش از قیمت اسمی کمتر باشد کسر سهام وجود دارد.

2- اگر سهام به طور نقد و غیرنقدی به فروش رسد:

(بدهکار) بانک (معادل فروش نقدی) ××

تعهد سهامداران (معادل فروش نسبه) ××

کسر سهام عادی یا ممتاز ××

(بستانکار) (معادل قیمت اصلی) سهام عادی یا ممتاز ××

×× صرف سهام عادی یا ممتاز

3- انتشار سهام و دریافت دارائی های غیر نقدی:

(بدهکار) دارائی ها (معادل قیمت ارزیابی) ××

کسر سهام عادی یا ممتاز ××

(بستانکار) سهام عادی یا ممتاز (معادل قیمت اسمی) ×

×× صرف سهام عادی یا ممتاز

انتشار سهام بدون مبلغ اسمی و کمتر از مبلغ اسمی در ایران مجاز نیست.

مثال:

یک شرکت سهامی 5/000 سهم عادی 2/000 ریالی و دو هزار سهم ممتاز 2000 ریالی با بهره 10٪ (سالانه دریافت می کند و موقع خرید و فروش کاری به این 10٪ ندارد).

1- تعداد 3000 سهم عادی را به قیمت هر سهم 2500 ریال نقداً به فروش رسانده است.

2- باقیمانده سهام عادی به قیمت هر سهم 1800 ریال به فروش رسیده که 40٪ آن نقداً و مابقی پذیره نویسی می باشد.

3- تعداد 1500 سهم ممتاز به قیمت هر سهم 2/200 ریال نقداً به فروش رسیده است.

4- مابقی سهام ممتاز منتشر گردید و در مقابل آن اثاثه ای بر مبلغ 950/000 ریال دریافت گردید مطلوب است ثبت فعالیت های فوق در دفتر روزنامه عمومی شرکت.

(1) بانک 7/500/000

(بستانکار) سهام عادی 6/000/000

صرف سهام 1/500/000

(انتشار سهام عادی به طور نقد بالاتر از قیمت اسمی)

$$3000 \times 2500 = 7/500/000 \text{ قیمت فروش}$$

$$300 \times 2000 = 6/000/000 \text{ قیمت اسمی}$$

$$7/500/000 + 6/000/000 = 1/500/000 \text{ صرف سهام}$$

(2) بانک 1/440/000

تعهد سهامداران 2/160/000

کسر سهام 400/000

(بستانکار) سهام عادی 4/000/000

(انتشار سهام عادی به طور نقد و نسیه کمتر از قیمت اسمی)

$$5000 - 3000 = 2000 \text{ باقی مانده سهم عادی}$$

$$2000 \times 1800 = 3/600/000 \text{ قیمت فروش}$$

$$200 \times 2000 = 4/000/000 \text{ قیمت اسمی}$$

$$2000 - 3/600/000 - 4/000/000 = -400/000 \text{ کسر سهام}$$

$$3/600/000 \times 40\% = 1/440/000 \text{ فروش نقدی}$$

$$3/600/000 - 1/440/000 = 2/160/000 \text{ فروش نسیه}$$

(3) بانک 3/300/000

(بستانکار) سهام ممتاز 3/000/000

صرف سهام 300/000

(انتشار سهام ممتاز به طور نقد بالاتر از قیمت اسمی)

$$1500 \times 2/200 = 3/300/000 \text{ قیمت فروش}$$

$$1500 \times 2000 = 3/000/000 \text{ قیمت اسمی}$$

$$3/300/000 - 3/000/000 = 300/000 \text{ صرف سهام}$$

(4) اثاثه 950/000

کسر سهام ممتاز 50/000

(بستانکار) سهام ممتاز 1/000/000

(انتشار سهام و دریافت اثاثه)

باقی مانده سهام ممتاز $2000 - 1500 = 500$

قیمت اسمی $500 \times 2000 = 1/000/000$

قیمت فروش $1/000/000 - 500 = 950/000$

کسر سهام ممتاز $950/000 - 1/000/000 = 50/000$

نحوه تقسیم سود و زیان در شرکت های سهامی:

در شرکت های سهامی روش های مختلفی برای تقسیم سود و زیان بین سهامداران ممتاز و سهامداران عادی وجود دارد.

(روش اول) داشتن سود ثابت سالانه برای سهام ممتاز بدون حق انباشته و بدون حق مشارکت در باقی مانده سود. دو مرحله دارد.

1) اختصاص سود ثابت سالانه به سهامداران ممتاز

2) اختصاص باقی مانده سود به سهامداران عادی

(روش دوم):

داشتن سود ثابت سالانه برای سهام ممتاز با حق انباشته و بدون حق مشارکت در باقی مانده سود.

1) اختصاص سود انباشته و معوق برای سهامداران ممتاز

2) اختصاص سود ثابت سالانه برای سهامداران ممتاز

3) اختصاص باقی مانده سود پس از کسر مراحل 1 و 2 از کل سود به سهامداران عادی.

(روش سوم):

داشتن سود ثابت سالانه برای سهام ممتاز بدون حق انباشته و با حق مشارکت در باقی مانده سود

- 1) اختصاص سود ثابت سالانه به سهامداران ممتاز
- 2) اختصاص سود ثابت سالانه به سهامداران عادی بر اساس نرخ سود سهام ممتاز.
- 3) باقیمانده سود را بر اساس ارزش اسمی سهام بین سهامداران ممتاز و عادی تقسیم می کنیم.

(روش چهارم):

داشتن سود ثابت سالانه با حق انباشته و با حق مشارکت در باقیمانده سود برای سهام ممتاز.

- 1) اختصاص سود معوق به سهامداران ممتاز
- 2) اختصاص سود ثابت سالانه به سهامداران ممتاز.
- 3) اختصاص سود ثابت سالانه به سهامداران عادی بر اساس نرخ سود سهام ممتاز.
- 4) تقسیم باقیمانده سود بر اساس ارزش اسمی سهام بین سهامداران ممتاز و عادی.

مثال:

در یک شرکت سهامی 4000 سهم ممتاز هزار ریالی با بهره 10٪ و 6000 سهم عادی 1000 ریالی وجود دارد.

طی سال های 81 و 82 هیچگونه سودی به سهامداران پرداخت نشده است سود خالص شرکت در سال 83 معادل 5/000/000 ریال بوده به روش های چهارگانه سود هر یک از سهامداران ممتاز را حساب کنید.

1) داشتن سود ثابت سالانه بدون حق انباشته و بدون حق مشارکت در باقی مانده سود.

شرح	سود سهام ممتاز	سود سهام عادی	جمع
1) داشتن سود ثابت سالانه ممتاز	400/000		400/000
2) باقیمانده سود سهام عادی		4/600/000	4/600/000
جمع	400/000	4/600/000	5/000/000

$$\text{ارزش سهام ممتاز} = 4000 \times 1000 = 4/000/000$$

$$\text{سود ثابت سالانه ممتاز} = 4/000/000 \times 10\% = 400/000$$

$$\text{سود سهام عادی} = 5/000/000 - 400/000 = 4/600/000$$

1- داشتن سود ثابت سالانه با حق انباشته و بدون حق مشارکت

شرح	سود سهام ممتاز	سود سهام عادی	جمع
1) اختصاص سود معوق به سهام ممتاز	800/000		800/000
2) سود سالانه سهام ممتاز	400/000		400/000
3) باقیمانده سود به سهامداران عادی		3/800/000	3/800/000
جمع	1/200/000	3/800/000	5/000/000

$$\text{سود معوق سهام ممتاز} = 2 \times 400/000 = 800/000$$

$$\text{سود سهام عادی} = 5/000/000 - (800/000 + 400/000) = 3/800/000$$

(3)

شرح	سود سهام ممتاز	سود سهام عادی	جمع
(1) سود ثابت سالانه سهام ممتاز	400/000		400/000
(2) سود ثابت سالانه سهام عادی		600/000	600/000
(3) باقی مانده سود سهام عادی و ممتاز	1/600/000	2/400/000	4/000/000
جمع	2/000/000	3/000/000	5/000/000

ارزش اسمی سهام عادی $6000 \times 1000 = 6/000/000$

سود ثابت سالانه عادی $6/000/000 \times 10\% = 600/000$

باقی مانده سود $5/000/000 - (600/000 + 400/000) = 4/000/000$

کل ارزش اسمی $4/000/000 + 6/000/000 = 10/000/000$

$$4/000/000 \times \begin{cases} \frac{4}{10} = 1/600/000 \\ \frac{6}{10} = 2/400/000 \end{cases}$$

شرح	سود سهام ممتاز	سود سهام عادی	جمع
(1) اختصاص سود معوق به سهام ممتاز	800/000		800/000
(2) سود سالانه سهام ممتاز	400/000		400/000
(3) سود سالانه سهام عادی		600/000	600/000
(4) تقسیم باقیمانده	1/280/000	1/920/000	3/200/000

باقی مانده سود $5/000/000 - (800/000 + 400/000 + 600/000) = 3/200/000$

$$3/200/000 \times \begin{cases} \frac{4}{10} = 1/280/000 \\ \frac{6}{10} = 1/920/000 \end{cases}$$

مثال:

در یک شرکت سهامی 100 سهم ممتاز هزار ریالی با بهره 10٪ با حق انباشته و با حق مشارکت در باقیمانده سود و تعداد 4/000 سهم عادی هزار ریالی وجود دارد. اطلاعات زیر موجود است. مطلوب است سود سهام عادی و ممتاز را در هر یک از سال‌های زیر محاسبه کنید.

سال	سود خالص
81	0
82	40/000
83	80/000
84	4/000/000

1- در سال 81 هیچگونه سودی پرداخت نمی‌شود ولی معادل $1000 \times 1000 \times 10\% = 100/000$ ریال سود معوق وجود دارد.

2- در سال 82 ابتدا 40/000 ریال از سود معوق سهام ممتاز پرداخت می‌شود و باقیمانده سود معوق سال قبل 60/000 به همراه سود ثابت سال 82 (100/000) جمعاً 160/000 ریال به عنوان سود معوق به سال 83 منتقل می‌شود.

3- در سال 83 - 80/000 ریال از سود معوق سهام ممتاز پرداخت می‌شود و 80/000 ریال باقی می‌ماند. سود معوق به همراه 100/000 ریال سود ثابت سال 83 جمعاً به مبلغ 180/000 ریال به سال 84 انتقال می‌یابد.

شرح	سود سهام ممتاز	سود سهام عادی	جمع
1) سود معوق سهام ممتاز	180/000		180/000
2) سود سهام ممتاز	100/000		100/000
3) سود ثابت سهام عادی		400/000	400/000
4) باقی مانده سود سهام عادی و ممتاز	664/000	2/656/000	3/320/000
جمع	944/000	3/056/000	4/000/000

سود ثابت سهام عادی $4/000 \times 1000 \times 10\% = 400/000$

$$4/000/000 - (180/000 + 100/000 + 400/000) = 3/320/000$$

ارزش اسمی سهام ممتاز $1000 \times 1000 = 1/000/000$

$$3/320/000 \times \begin{cases} \frac{1}{5} = 66400 \\ \frac{4}{5} = 2/606/000 \end{cases}$$
$$4/000 \times 1000 = \frac{4/000/000}{5/000/000}$$

حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری یک سهام عادی:

دو حالت وجود دارد:

(حالت اول): شرکت فقط دارای سهام عادی می باشد در این حالت حقوق صاحبان سهام عادی به صورت زیر محاسبه می شود.

سهام عادی به ارزش اسمی $\times \times$

+ صرف سهام یا - کسر سهام $\times \times$

+ سود انباشته یا - زیان انباشته $\times \times$

حقوق صاحبان سهام عادی $\times \times$

مثال:

در یک شرکت سهامی 4000 سهم 5000 ریالی وجود دارد صرف سهام عادی

2/000/000 ریال و سود انباشته شرکت 1/000/000 ریال بوده است ارزش دفتری

یک سهام عادی چقدر است؟

20/000/000 سهام عادی به ارزش اسمی

2/000/000 + صرف سهام عادی

1/000/000 + سود انباشته

23/000/000 حقوق صاحبان سهام عادی

$$4000 \times 5000 = 20/000/000$$

(حالت دوم):

شرکت هم دارای سهام عادی و ممتاز می‌باشد 3 مرحله دارد.

1) محاسبه کل حقوق صاحبان سهام (عادی یا ممتاز)

×× سهام ممتاز به ارزش اسمی

+ صرف سهام یا کسر سهام ممتاز ××

×× سرمایه پرداخت شده سهام ممتاز

×× سهام عادی به ارزش اسمی

+ صرف سهام یا - کسر سهام عادی ××

×× سرمایه پرداخت شده سهام عادی

×× سود انباشته یا - زیان انباشته

+ سرمایه پرداخت شده سهام عادی ××

×× حقوق صاحبان سهام

2) محاسبه حقوق صاحبان سهام عادی:

×× حقوق صاحبان سهام

×× کسر شود حقوق صاحبان سهام ممتاز

×× ارزش اسمی یا تصفیه سهام ممتاز

×× سود معوق سهام ممتاز

×× حقوق صاحبان سهام ممتاز

×× حقوق صاحبان سهام عادی

3) محاسبه ارزش دفتری یک سهام عادی:

مثال: در یک شرکت تضامنی اطلاعات زیر موجود است:

سهام ممتاز با بهره 10٪ به تعداد 1000 سهم به مبلغ 5/000/000 ریال. کسر سهام ممتاز

500/000 ریال و سهام عادی 4000 سهم به مبلغ 20/000/000 ریال.

صرف سهام عادی 1/500/000 ریال سود انباشته 3/000/000 ریال در صورتی که طی دو سال گذشته هیچگونه سودی پرداخت نشده باشد.

«مطلوب است حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری یک سهام عادی و ممتاز در صورتی که قیمت تصفیه یک سهام ممتاز 6/000 ریال باشد.»

1- سهام ممتاز به ارزش اسمی 5/000/000

- کسر سهام ممتاز 500/000

4/500/000 سرمایه پرداخت شده سهام ممتاز

سهام عادی به ارزش اسمی 20/000/000

+ صرف سهام عادی 1/500/000

21/500/000 سرمایه پرداخت شده سهام عادی

+ سود انباشته 3/000/000

29/000/000 کل حقوق صاحبان سهام

2- حقوق صاحبان سهام 29/000/000

کسر شود حقوق صاحبان ممتاز

ارزش دفتری سهام ممتاز 6/000/000

$6000 \times 1000 =$

1/000/000 سود معوق سهام ممتاز

$5/000/000 \times 10\% \times 2 =$

(7/000/000) جمع حقوق صاحبان سهام ممتاز

22/000/000 حقوق صاحبان سهام عادی

$$(3) \text{ ارزش دفتری یک سهام عادی} = \frac{22/000/000}{4000} = 5/500$$

$$\text{ارزش دفتری یک سهام ممتاز} = \frac{7/000/000}{10000} = 7/100$$

« عملیات تقسیم سود از شرکت های سهامی »

در شرکت های سهامی بابت تقسیم سود مراحل زیر انجام می شود.

1) انتقال مانده خلاصه سود و زیان به حساب سود و زیان انباشته:

اگر مانده بستانکار داشته باشد.

خلاصه سود و زیان ××

(بستانکار) سود و زیان انباشته ××

اگر مانده بدهکار داشته باشد.

سود و زیان انباشته ××

(بستانکار) خلاصه سود و زیان ××

2) ثبت تصویب پرداخت سود به سهامداران توسط هیئت مدیره شرکت

سود و زیان انباشته ××

(بستانکار) سود سهام پرداختنی ××

3) ثبت پرداخت سود به سهامداران

سود سهام پرداختنی ××

(بستانکار) صندوق / بانک ××

نحوه تنظیم صورت حساب تقسیم سود و زیان در شرکت های سهامی

نام مؤسسه

صورت حساب تقسیم سود و زیان

××	سود و زیان انباشته ابتدای دوره
××	+ سود یا - زیان خالص بعد از مالیات
××	سود قابل تخصیص
××	کسر شود اندوخته قانونی
××	سود سهام پرداختنی
××	سایر اندوخته‌ها
××	جمع کاهش
×	سود و زیان انباشته پایان دوره

نکته /

اندوخته قانونی:

5٪ یا $\frac{1}{2}$ سود خالص سال جاری بوده و تا زمانی که اندوخته قانونی معادل 10٪ شرکت نگردد اجباری بوده و بعد از آن اختیاری می‌باشد.

مثال: در شرکت سهامی خوزستان 5/000 سهم 10/000 ریالی وجود دارد. سود انباشته ابتدایی سال 83 معادل 2/000/000 ریال و سود خالص سال جاری بعد از مالیات 8/000/000 ریال بوده بابت تقسیم سود عملیات زیرانجام شد.

1- اختصاص 5٪ سود خالص به عنوان اندوخته قانونی

$$8/000/000 \times 5\% = 400/000$$

2- اختصاص 10٪ سود خالص به عنوان اندوخته احتیاطی

$$8/000/000 \times 10\% = 800/000$$

3- اختصاص 20٪ سهام شرکت به عنوان سود پرداختنی به سهامداران

$$8/000/000 \times 20\% = 1600/000$$

مطلوب است:

الف: تهیه صورت حساب تقسیم سود و زیان در پایان سال 83

ب: ثبت بستن حساب خلاصه سود و زیان و

خلاصه سود و زیان	
8/000/000	8/000/000

عملیات تقسیم سود و زیان

ج: محاسبه سود یک سهم عادی.

شرکت سهامی خوزستان

صورت حساب تقسیم سود و زیان (منتهی به 83/12/29)

سود انباشته ابتدای دوره 2/000/000

+ سود خالص سال جاری 8/000/000

سود قابل تقسیم 10/000/000

کسر شود:

1- اندوخته قانونی 400/000

2- اندوخته احتیاطی 800/000

3- سود سهام پرداختی 5/000/000

جمع کاهش (6/200/000)

سود انباشته پایان دوره مالی 3/800/000

سود و زیان انباشته	
2/000/000	
8/000/000	
10/000/000	6/200/000
3/800/000	

(1)

ب) خلاصه سود و زیان 8/000/000

سود و زیان انباشته 8/000/000

(2) بابت عملیات تقسیم سود و زیان

سود و زیان انباشته 6/200/000

اندوخته قانونی (400/000)

اندوخته احتیاطی (800/000)

سود سهام پرداختنی 5/000/000

$$ESP = - = \frac{5/000/000}{5000} = 1000 \text{ (ج)}$$

سود سهمی « سهام جایزه »

به توزیع سهام اضافی از محل سود انباشته به جای سود نقدی سهام جایزه یا سود سهمی گویند.

اثرات انتشار سهام جایزه:

- 1- حقوق صاحبان سهام تغییری نمی کند.
- 2- ارزش دفتری یک سهم کاهش پیدا می کند چون تعداد سهام نسبت به قبل افزایش می کند
- 3- معمولاً قیمت بازار سهام کاهش پیدا می کند.

برای سهام جایزه دو ثبت جداگانه نوشته می شود.

1- ثبت اعلام سهام جایزه = در این حالت ابتدا سود سهمی را محاسبه کرده و سپس

تعداد سهام جایزه را به دست می آوریم.

آنگاه ارزش اسمی سهام جایزه را به دست می آوریم.

قیمت اسمی یک سهم × تعداد سهام جایزه = ارزش اسمی سهام جایزه

در نتیجه صرف یا کسر سهام ⇐

صرف + = ارزش اسمی سهام - سود سهمی = صرف / کسر سهام جایزه

کسر -

و ثبت زیر را می نویسیم.

سود و زیان انباشته (معادل سود سهمی) ××

×× (بدهکار) یا کسر سهام

×× (بستانکار) (معادل قیمت اسمی) سهام جایزه قابل توزیع

2) ثبت توزیع سهام جایزه بین سهامداران:

×× (معادل قیمت اسمی) سهام جایزه قابل توزیع

×× (بستانکار) سهام عادی

مثال:

در یک شرکت سهامی اطلاعات زیر قابل توزیع سهام جایزه به شرح زیر است.

سهام عادی 1000 ریالی 10/000/000

3/000/000 صرف سهام عادی

5/000/000 سود انباشته

18/000/000 جمع

مثال) در تاریخ 84/4/1 هیئت مدیره شرکت تصمیم گرفت 60٪ سود انباشته به قیمت هر سهم 1500 ریال سهام جایزه منتشر کند در تاریخ 84/4/15 سهام جایزه بین سهامداران توزیع شده مطلوب است:

الف/ تصویب و توزیع سهام جایزه به تاریخ 84/4/1 و 84/4/15 محاسبه ارزش دفتری یک سهم قبل از سهام جایزه و بعد از سهام جایزه
الف / 84/4/1 بابت تصویب سهام جایزه

سود سهمی $5/000/000 \times 60\% = 3/000/000$

قیمت اسمی یک سهم × تعداد سهام جایزه = ارزش اسمی سهام جایزه

$2000 \times 1000 = 2/000/000$ = ارزش اسمی سهام جایزه

ارزش اسمی سهام جایزه - سود سهمی = صرف سهام

$3/000/000 - 2/000/000 = 1/000/000$ = صرف سهام

(بدهکار) سود و زیان انباشته 3/000/000

سهام جایزه قابل توزیع 2/000/000

(بستانکار) صرف سهام عادی 1/000/000

84/4/15 ثبت توزیع سهام جایزه

سهام جایزه قابل توزیع 2/000/000

(بستانکار) سهام عادی 2/000/000

(ب)

شرح	قبل از توزیع سهام جایزه	بعد از توزیع سهام جایزه
سهام عادی	10/000/000	12/000/000
صرف سهام عادی	3/000/000	4/000/000
سود انباشته	5/000/000	2/000/000
جمع حقوق صاحبان سهام	18/000/000	18/000/000
÷	÷	÷
تعداد سهام عادی	10/000	12/000
ارزش دفتری یک سهم عادی	1/800	1/500

سهام عادی		صرف سهام عادی	
10/000/000		3/000/000	
2/000/000		1/000/000	
12/000/000		4/000/000	

سود انباشته	
5/000/000	3/000/000
2/000/000	

تعداد سهام عادی بعد از توزیع $10/000 + 2000 = 12000$

« بدهی‌های بلند مدت و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت در شرکت‌های سهامی »

تعریف اوراق قرضه:

ورقه بهاداری است که منتشر کنند. تعهد می‌کند در سررسید، اصل و در فواصل زمانی معین بهره آن را پرداخت نماید.

ثبت انتشار اوراق قرضه در دفاتر منتشر کننده.

(بدهکار) (معادل قیمت فروش) بانک / صندوق ××

کسر اوراق قرضه ××

×× (بستانکار) (قیمت اسمی) اوراق قرضه پرداختی

×× صرف اوراق قرضه

1- ثبت پرداخت اولین بهره اوراق قرضه:

(بدهکار) هزینه بهره ××

(بستانکار) بانک / صندوق ××

ثبت اصلاح بهره پرداخت نشده در پایان سال مالی

(بدهکار) هزینه بهره ××

(بستانکار) بهره پرداختی ××

2- ثبت پرداخت دومین بهره

(بدهکار) (معادل بهره سال قبل) بهره پرداختی ××

(معادل بهره سال جاری) هزینه بهره ××

(بستانکار) (معادل بهره اوراق قرضه) بانک / صندوق ××

در سر رسید بابت پرداخت اصل اوراق قرضه ثبت زیر را می نویسیم.

(بدهکار) اوراق قرضه پرداختی ××

(بستانکار) بانک / صندوق ××

مثال:

یک شرکت سهامی تعداد 5000 ورقه قرضه 1000 ریالی با بهره 12٪ به سر رسید 3 سال که بهره آن هر 6 ماه یکبار پرداخت می شود به قیمت هر سهم 1200 ریال در تاریخ 83/4/1 به فروش رسانده است. مطلوب است ثبت تاریخ های 83/10/1 – 83/4/1 – 86/4/1 – 84/4/1 – 83/12/29

انتشار اوراق قرضه

83/4/1

بانک / صندوق 6/000/000

(بستانکار) اوراق قرضه پرداختی 5/000/000

صرف اوراق قرضه 1/000/000

قیمت اسمی $5000 \times 1000 = 5/000/000$

قیمت فروش $5000 \times 1200 = 6/000/000$

صرف اوراق قرضه 1/000/000

83/10/1

هزینه بهره 300/000

(بستانکار) بانک 300/000

بهره اوراق قرضه $= 5/000/000 \times \frac{12}{100} \times \frac{6}{12} = 300/000$

83/12/29

اصلاح بهره

(بدهکار) هزینه بهره 150/000

150/000 (بستانکار) بهره پرداختنی

$$300/000 \times \frac{3}{6} = 150/000$$

84/4/1

پرداخت دومین بهره

150/000 بهره پرداختنی

150/000 هزینه بهره

300/000 بانک (بستانکار)

86/4/1

اوراق قرضه پرداختنی 5/000/000

5/000/000 (بستانکار) بانک / صندوق

در دفاتر خریدار، خرید اوراق قرضه به عنوان سرمایه گذاری در اوراق قرضه محسوب می شود و ثبت های زیر را ثبت های زیر را می نویسیم.

83/4/1

سرمایه گذاری اوراق قرضه 5/000/000

کسر اوراق قرضه 1/000/000

6/000/000 (بستانکار) بانک / صندوق

83/10/1

بانک 300/000

300/000 (بستانکار) درآمد بهره

83/12/29

بهره دریافتی 150/000

(بستانکار) درآمد بهره 150/000

84/4/1

بانک 300/000

(بستانکار) بهره دریافتی 150/000

درآمد بهره 150/000

86/4/1

بانک 5/000/000

(بستانکار) سرمایه گذاری اوراق بهادار 5/000/000

نکته:

سرمایه گذاری شرکت های سهامی در سهام سایر شرکا:

(معادل قیمت تمام شده) سرمایه گذاری در سهام سایر شرکت ها ××

(بستانکار) بانک / صندوق ××

نکته:

اگر در پایان دوره مالی بین قیمت بازار سهام و قیمت تمام شده اختلاف وجود داشته باشد و قیمت بازار سهام کمتر از قیمت تمام شده باشد زیان تحقق نیافته وجود دارد که ثبت زیر را بر اساس اقل قیمت تمام شده می نویسیم.

زیان ناشی از کاهش سرمایه گذاری در سهام سایر شرکت ها ××

(اگر زیان وجود داشته باشد) (بستانکار) ذخیره ناشی از کاهش سرمایه گذاری در سهام

سایر شرکت ها ××

حقوق و دستمزد:

تعریف حقوق و دستمزد:

به وجوه نقد و غیر نقدی که بابت نیروی کاری فکر و بدنی پرداخته شود حقوق و دستمزد گفته می شود.

- دستمزد معمولاً به صورت ساعتی یا روزانه پرداخت می شود ولی حقوق به صورت ماهانه پرداخت می گردد.

- حقوق و دستمزد از سه قسمت اصلی تشکیل شده است.

1- حقوق و مزایا (حقوق و دستمزد ناخالص)

2- کسورات (قانونی و توافقی)

3- حقوق و دستمزد خالص

حقوق و مزایا شامل:

حقوق پایه، فوق العاده ای شغل، حق تأهل و اولاد، حق محرومیت از تسهیلات زندگی، محرومیت بدی آب و هوا، حق مسئولیت یا سرپرستی، حق خوار و بار و مسکن، اضافه کاری، پاداش، حق جزم

حقوق پایه یا حقوق مبنا: بر مبنای تعداد محصول یا ساعت کار یا ترکیبی از هر دو به طور ساعتی، روزانه و ماهانه پرداخت می شود.

- اضافه کاری:

طبق قانون کار هر کارگر موظف است روزانه 8 ساعت و در هفته 44 ساعت و در ماه 176 ساعت از وقت خود را جهت کار در اختیار کارفرما قرار دهد. در صورتی که بیش از این مدت کار کند مازاد به صورت اضافه کاری محسوب می گردد.

- شرایط اضافه کاری:

الف) این شرایط با توافق کارگر لحاظ می شود.

ب) ساعات اضافه کاری در روز از 4 ساعت تجاوز نکند مگر در شرایط خاص

ج) فوق العاده ای اضافه کاری 40٪ می باشد که به دستمزد عادی هر ساعت اضافه می شود.

نکته)

فوق العاده‌ی شب کاری 35٪ می‌باشد

مثال:

اگر کارگری در طول یک هفته 65 ساعت کار کند و نرخ دستمزد ساعتی وی 30 هزار ریال باشد بدون در نظر گرفتن سایر کسورات و مزایا حقوق و دستمزد این شخص چقدر است؟

$$\left. \begin{array}{l} 44 \\ 65 - 44 = 21 \end{array} \right\} \begin{array}{l} \text{هفته} \\ \text{اضافه کاری} \end{array}$$

$$+ \left\{ \begin{array}{l} 44 \times 30 / 1000 = 1320 / 1000 \\ 21 \times 30 / 1000 \times 140 = 882 / 1000 \end{array} \right.$$

$$1320 / 1000 + 882 / 1000 = 2202 / 1000 \text{ حقوق و دستمزد هفتگی}$$

نوبت کاری:

هرگاه کار در طول ماه گردش نماید به طوری که قسمتی از آن در صبح یا عصر یا شب انجام گردد طبق قانون کار فوق العاده‌ی نوبت کاری به صورت زیر محاسبه می‌شود.

جدول فوق العاده نوبت کاری	
نوبت کاری	ضریب
صبح و عصر	10٪
صبح و عصر و شب	15٪
صبح و شب	22/5٪
عصر و شب	
شب کار	45٪

مثال:

سه کارگر به صورت زیر در یک مؤسسه مشغول به کار می‌باشند کارگر شماره‌ی (1) نوبت کار صبح و عصر، کارگر شماره‌ی (2) نوبت کار صبح و شب، کارگر شماره‌ی (3) نوبت کار شب باشد. در صورتی که نرخ دستمزد هر یک از کارگران ذکر شده به ترتیب 5/000، 10/000، 15/... ریال باشد حقوق و دستمزد ناخالص ماهانه این کارگران چقدر است؟

$$176 \times 5/000 = 880/000$$

کارگر شماره (1) - نوبت کار صبح و عصر فوق العاده نوبت کاری

$$880/000 \times 1.10 = 968/000$$

حقوق و دستمزد کارگر (1) $880/000 + 880/000 = 968/000$

کارگر شماره 2 - نوبت کار صبح و فوق العاده نوبت کاری $\begin{cases} 176 \times 10/000 = 1760/000 \\ 1760/000 \times 0.225 = 396000 \end{cases}$

حقوق و دستمزد کارگر (2) $1760/000 + 396000 = 2156/000$

کارگر شماره 3 - شب کار فوق العاده نوبت کاری $\begin{cases} 176 \times 15/000 = 2640/000 \\ 2640/000 \times 0.45 = 1188/000 \end{cases}$

حقوق و دستمزد کارگر (3) $2640/000 + 1188/000 = 3828/000$

کسورات: مبالغی که به طور قانونی و توافقی از حقوق و مزایا کسر می‌گردد و به دو دسته تقسیم می‌شود:

1- کسورات قانونی:

کسوراتی که به موجب قانون کار، کارفرما مکلف است در هنگام تنظیم لیست حقوق و دستمزد از حقوق و دستمزد کارگر کسر گردد.

این کسورات عبارتند از:

الف) مالیات:

کارفرما باید پس از کسر معافیت مالیاتی مالیات حقوق و دستمزد را محاسبه و از حقوق و دستمزد کسر و در مهلت مقرر به اداره‌ی دارایی پرداخت نمایند.

نرخ مالیات حقوق و دستمزد 10٪ می باشد (در شهرهای محروم 5٪ می باشد)

مثال:

اگر حقوق و مزایای یک کارمند 4/000/000 ریال باشد و معافیت مالیاتی حقوق 1/500/000 ریال باشد در صورتی که نرخ مالیات 10٪ باشد مالیات حقوق وی چند ریال است؟

$$\begin{array}{r} \text{معافیت مالیاتی - حقوق و دستمزد} \\ - 4/000/000 \\ \hline 1/500/000 \\ \hline 2/500/000 \end{array} \quad \text{حقوق مشمول مالیات}$$

ریال $250/000 = 2/500/000 \times 10\%$ = مالیات حقوق

ب) حق بیمه های اجتماعی:

طبق قانون کار حق بیمه های اجتماعی معادل 30٪ حقوق و دستمزد کارگر می باشد که 7٪ آن را خود کارگر و 20٪ کارفرما و 3٪ دولت پرداخت می کند همچنین کارفرما موظف است علاوه بر 20٪ بیمه اجتماعی 3٪ نیز به عنوان بیمه ی بیکاری به ادارات بیمه پرداخت نماید.

2) کسورات توافقی:

کسوراتی که به موجب توافق کارفرما و کارگر در پایان ماه از حقوق و دستمزد کارگر کسر می گردد. مانند: مساعده ی یا پیش پرداخت حقوق، وام مسکن، وام اقصاط، بدهی به شرکت تعاونی

حقوق دستمزد خالص:

به اختلاف بین جمع حقوق و مزایا و جمع کسورات حقوق و دستمزد خالص گفته می - شوند.

کسورات - حقوق و مزایا = حقوق و دستمزد خالص

نکته

اجرائیات نیز جزء کسورات قانونی محسوب می‌شوند (اجرائیات مبالغی هستند که به حکم مراجع قانونی و قضایی از حقوق کارکنان کسر و به صندوق اجرائیات واریز می‌گردد).

حسابداری حقوق و دستمزد:

1- ثبت حقوق و دستمزد کارگر در هنگام تنظیم لیست:

(بدهکار) هزینه حقوق و دستمزد $\times \times$ ← معادل حقوق و مزایا

(بستانکار) کسورات $\times \times$ ← معادل جمع کسورا

(بستانکار) حقوق و دستمزد پرداختی $\times \times$ ← معادل حقوق و دستمزد خالص

2- ثبت هزینه‌های کارفرما در هنگام تنظیم لیست:

(بدهکار) هزینه حقوق و دستمزد $\times \times$

(بستانکار) بیمه پرداختی سهم کارفرما $\times \times$

معادل 23٪ حقوق و دستمزد

3- ثبت پرداخت دستمزد خالص به کارگران:

(بدهکار) حقوق و دستمزد پرداختی $\times \times$

(بستانکار) بانک یا صندوق $\times \times$

4- ثبت پرداخت کسورات به ادارات مربوطه:

(بدهکار) کسورات $\times \times$

(بستانکار) صندوق یا بانک $\times \times$

نکته) مساعده جزء این ثبت (مساعده) لحاظ نمی‌گردد.

مثال:

کارگری در طول یک ماه 226 ساعت کار کرده است نرخ دستمزد ساعتی این کارگر 30/000 ریال می‌باشد حق بیمه‌ی اجتماعی کارگر 7٪ سهم کارفرما 20٪ (3 درصد بیمه‌ی کارگری پرداخت می‌کند).

مالیات حقوق مازاد بر 1/800/000 ریال به نرخ 10٪ می‌باشد سایر کسورات عبارتند از: وام مسکن 200/000 مساعده 100/000 ریال، بدهی به شرکت تعاونی 300/000 ریال

مطلوب است تهیه و تنظیم لیست حقوق و دستمزد این کارگر در پایان ماه 2- ثبت فعالیت-های لازم مربوط به حقوق و دستمزد و هزینه‌های کارفرما در دفتر روزنامه.

ساعت 226 کل کار ماهانه

ساعت 176 = ساعات کار عادی

$50 = 226 - 176$ = ساعات اضافه کاری

$$\left\{ \begin{array}{l} 176 \times 30/1000 = 5280/1000 \\ 50 \times 30/1000 \times 1/40 = 375/1000 \end{array} \right.$$

$$\left\{ \begin{array}{l} 176 \times 30/1000 = 5280/1000 \\ 50 \times 30/1000 \times 1/40 = 375/1000 \end{array} \right.$$

$$5280/1000 + 375/1000 = 5655/1000$$

حقوق و مزایا:

حقوق پایه = $5280/1000$

اضافه کاری = $375/1000$

جمع حقوق و مزایا = $5655/1000$

حق بیمه سهم کارگر = $0.07 \times 5655/1000 = 395.85$

حقوق مشمول مالیات = $5655/1000 - 395.85 = 5259.15$

مالیات = $0.10 \times 5259.15 = 525.915$

کسورات:

حق بیمه سهم کارگر 395.85

مالیات 525.915

وام مسکن 200.000

مساعده 100.000

بدهی به شرکت تعاونی 300.000

جمع کسورات 1121.765

حقوق و دستمزد خالص $5655/1000 - 1121.765 = 4533.235$

(ب) ثبت حقوق و دستمزد کارگر در هنگام تنظیم لیست

(بدهکار) هزینه حقوق و دستمزد 4533.235

(بستانکار) حق بیمه سهم کارگر 395.85

558/000	(بستانکار) مالیات پرداختی
200/000	(بستانکار) وام مسکن
100/000	(بستانکار) مساعده
300/000	(بستانکار) بدهی به شرکت تعاونی
5/705/400	(بستانکار) حقوق و دستمزد پرداختی

ثبت هزینه‌های کارفرما در هنگام تنظیم لیست:

(بدهکار) هزینه حقوق و دستمزد 1/967/400

(بستانکار) حق بیمه سهم کارفرما 1/967/400

$$1/967/400 = 7/380/000 \times 23\%$$

ثبت حقوق و دستمزد در هنگام پرداخت:

(بدهکار) حقوق و دستمزد پرداختی 5/705/400

(بستانکار) صندوق 5/705/400

ثبت پرداخت کسورات توسط کارفرما:

(بدهکار) بیمه پرداختی 2/214/000 بیمه سهم کارفرما + بیمه سهم کارگر

558/000 مالیات پرداختی 516/600 + 1/697/400

200/000 وام مسکن

300/000 بدهی به شرکت

(بستانکار) صندوق 3/272/000

پاداش:

مبلغی است که به منظور تشویق کارگران و بالابردن انگیزه‌ی آن‌ها و همچنین به خاطر افزایش و فروش و افزایش تولید و ارتفاع سود به صورت ماهانه یا هفتگی به کارگران

پرداخت می‌گردد. روش‌های متفاوتی برای محاسبه‌ی پاداش وجود دارد که 4 روش آن به صورت زیر می‌باشد.

1- پاداش بر مبنای سود قبل از پاداش و مالیات:

سود قبل از پاداش و مالیات \times نرخ پاداش = پاداش

2- پاداش بر مبنای سود پس از پاداش و قبل از مالیات:

در این روش پاداش را از سود قبل از پاداش و مالیات کسر و در نرخ پاداش ضرب می‌کنیم

پاداش - سود قبل از پاداش و مالیات \times نرخ پاداش = پاداش

3- پاداش بر مبنای سود قبل از پاداش و بعد از مالیات:

در این روش برای محاسبه‌ی پاداش مالیات را از سود قبل از پاداش و مالیات کسر و در نرخ پاداش ضرب می‌کنیم.

مالیات - (سود قبل از پاداش و مالیات) \times نرخ پاداش = پاداش

برای محاسبه‌ی مالیات به روش زیر اقدام کنید:

(پاداش - سود قبل از پاداش و مالیات) \times نرخ مالیات = مالیات

4- پاداش بر مبنای سود پس از مالیات:

در این روش هم پاداش و هم مالیات کسر و در نرخ پاداش ضرب می‌کنیم.

نرخ پاداش \times (مالیات - پاداش - سود قبل از پاداش و مالیات) = پاداش

مثال:

در یک شرکت تولیدی سود قبل از پاداش و مالیات 5/000/000 می‌باشد. طبق توافق کارفرما و کارگران نرخ پاداش 20٪ تعیین گردید در صورتی که نرخ مالیات 10٪ باشد به روش‌های چهارگانه پاداش پرداختی به کارگران را محاسبه کنید.

سود قبل از پاداش مالیات = 5/000/000

20٪ = نرخ پاداش

10٪ = نرخ مالیات

X = پاداش

سود قبل از پاداش و مالیات \times نرخ پاداش = X پاداش بر مبنای سود قبل از پاداش و

مالیات

$$x = \frac{20}{100} \times \frac{5000000}{1000000} = \frac{1000000}{1000000}$$

(پاداش - سود قبل از پاداش و مالیات) نرخ پاداش = X پاداش بر مبنای سود پس از پاداش و قبل

از مالیات

$$x = \frac{20}{100} (5000000 - x)$$

$$x = 1000000 - \frac{20}{100} x$$

$$\frac{1}{20} x = \frac{1000000}{100} \Rightarrow x = \frac{1000000}{1/20} = 833333$$

(مالیات - سود قبل از پاداش و مالیات) نرخ پاداش = X پاداش بر مبنای سود قبل از پاداش

و پس از مالیات

(پاداش - سود قبل از مالیات پاداش) نرخ مالیات = مالیات

$$\text{مالیات} = \frac{10}{100} (5000000 - x)$$

$$\text{مالیات} = 500000 - \frac{10}{100} x$$

$$x = \frac{20}{100} (5000000 - 500000 + \frac{10}{100} x)$$

$$x = 900000 + \frac{20}{100} x$$

$$x - \frac{20}{100} x = 900000$$

$$\frac{80}{100} x = 900000 \Rightarrow x = \frac{900000}{0.8} = 1125000$$

(مالیات - پاداش - سود قبل از پاداش و مالیات) نرخ پاداش = پاداش به مبنای سود پس

از پاداش و پس از مالیات

$$\text{مالیات} = \frac{10}{100} (5000000 - x) = 500000 - \frac{10}{100} x$$

$$x = \frac{20}{100} (5000000 - 500000 - x) - 500000$$

$$x = \frac{20}{100} (4500000 - \frac{10}{100} x) + 500000$$

$$x = 900000 - \frac{10}{100} x$$

$$\frac{110}{100} x = 900000$$

$$x = \frac{900000}{1.1} = 818182$$

نکته

اگر در یک سؤال مازاد بر یک مبلغ خاص را بخواهید آن مبلغ مازاد را از سود قبل از پاداش و مالیات کسر می‌کنیم. مثلاً اگر در سؤال فوق مالیات مازاد $1/000/000$ ریال به نرخ 10% باشد به روش بالا عمل می‌کند.

مثال:

در یک شرکت حقوق و دستمزد ناخالص یک کارمند در هفته 44 ساعت $580/000$ ریال می‌باشد اگر ساعت کار ایشان در هفته 54 ساعت باشد نرخ دستمزد ساعتی ایشان چقدر است؟

$$580/000 = (44 \times x) + (10 \times 1/40 \times x)$$

$$\Rightarrow 580/000 = 44x + 14x$$

$$58x = 580/000 \quad x = 10/000$$